

موعود باوری در قرآن و ادیان

حسب الله رسولی^۱

ابوالفضل هاشمی سجزئی^۲

چکیده

در قرآن، آیات بسیاری وجود دارد که درباره حضرت مهدی و قیام جهانی اونازل گردیده و بسیاری از مفسران آنها را بر امام مهدی تطبیق کرده اند. هرگاه مطلبی از پیامبر (ص) متواتر گردد، ناگزیر باید پذیرفت که قرآن حکیم آن را مسکوت نگذارده است، بنابراین استخراج این عقیده از آیات مبارکه برعهده کسی است که حقایق قرآنی را درک کند و تردیدی نیست که بنا بر نص حدیث شریف ثقلین که نزد همه مسلمانان متواتر است، اهل البیت (ع) همتا و کفو قرآنند. از این رو، باید آیاتی را که ایشان بر ظهور مهدی (ع) حمل کرده اند، دلیل قرآنی ایده مهدویت به شمار آوریم. مهدویت به عنوان یک اصل بنیادین جامعه بشری مطرح است. این اصل در آئین ها و نحله های فکری مطابق فرهنگ آن جامعه انعکاس شده است. این گفتمان در فرایند تاریخ اسلام دچار دگردیسی ها شد. از این رو ضروری است که مهدی باوری را از منابع اولیه تاریخ اسلام استخراج کرد. در این مقاله به صورت توصیفی اکتشافی و به روش کتابخانه ای به منابع اولیه تاریخ اسلام و ادیان دیگر مراجعه شده است.

کلیدواژه ها: موعود، حضرت مهدی (ع)، قرآن کریم، ایده مهدویت، ادیان

^۱ . طلبه فارغ التحصیل جامعه المصطفی العالمیه استان مرکزی واحد آشتیان، کد تحصیلی ۱۱۵۹۶۱۲

^۲ . مدرس جامعه المصطفی العالمیه استان مرکزی، واحد آشتیان.

مقدمه

مبحث « مهدی باوری » یکی از مباحث مهم در علوم اسلامی است به ویژه علم کلام، است. یکی از مهم ترین مباحث قابل طرح قابل طرح پیرامون آن حیثیت معرفت شناختی آن است، مهدی باوری در قرآن و ادیان گذشته برخی قایل به آن هستند که حضرت مهدی عج متولد گشته و به حالت غیبت به سر می برد و بعد از مدت ظهور خواهد کرد و یکی از نشانه های قیامت ظهور حضرت مهدی منجی عالم بشریت است که باظهورش جهان را پر از عدل خواهد کرد. و قرآن هم در آیات متعددی در باره مهدویت و منجی بشریت اشاره کرده است از جمله آیه وعده حکومت بندگان صالح و نیکوکار بر زمین و آیه رفع فتنه از جهان و آیات اظهار تسلط دین اسلام بر ادیان دیگر و آیه مستضعفین و غیره که در قرآن در باره مهدویت ذکر شده است. ، و برخی ادیان دیگر مثل آئین هندیان، اعتقاد به این است که پس از خرابی دنیا پادشاه در آخرالزمان پیدا می شود که پیشوای خلق باشد و تمام عالم را بگیرد، و آئین بودیسم، زردشت، یهود، مسیحیت، و غیره... در باره حضرت مهدی قایل به این هستند که حضرت مهدی همان حضرت مسیح است.

بیان مسأله

مهدی باوری و اعتقاد به ظهور منجی که در آخر الزمان با تشکیل حکومت جهانی زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، یکی از اصول بنیادین اعتقاد جوامع بشری، ادیان توحیدی به خصوص مسلمانان است.

این اصل و اعتقاد با تفاوت های اندک در ادیان، مذاهب و نحله های فکری و اعتقادی مختلف وجود دارند. به گونه ای که در دین بودا از آن به «بودای» پنجم در آئین هندو از او به «آواتارای» دهم در دین زرتشت «شوشیانس» در کتب یهودی او را «ماشیح» و در آئین مسیحیت آن را «مسیح» نامیده است: اما دین مقدس اسلام به عنوان آخرین نسخه شفا بخش جامعه بشری از همه ادیان دیگر، بیشتر به این امر تاکید کرده است و در آیات و روایات زیادی چه به صورت صریح و چه به صورت ضمنی، خصوصیات، علایم ظهور، شرایط ظهور و ویژگی های شخصیتی موعود را بیان کرده است.

اینکه عقیده مهدی باوری و خصوصیات مهدی در بین ادیان متعدد از چه جایگاه بر خوردار است و تا چه اندازه در عقاید مذاهب اسلامی این دارای اشتراک و اختلاف است، از مباحث کلیدی در علم کلام است که به صورت جدی طلبد برای واکاوی، تحلیل و ارزیابی این بحث در منابع معتبر و دست نخورده اسلامی دست به قلم برد

مهدی باوری در قرآن

الف: مفهوم مهدی باوری

مهدی از ریشه (م ه د ی) است به معنای هدایت شده یا هدایت شده توسط خداوند می باشد.^۱

^۱. حیدری ابطحی، ۱۳۹۵، ص ۳۱

سابقه استفاده از کلمه مهدی قبل از ظهور دین اسلام رایج نبود و برای عدالت گستر جهانی از کلمات چون جهانگشایی عدل گستر، منجی و... استفاده می شود اما استفاده از این کلمه در زمان رسول الله و بعد از آن در اشعار عرب و متن های عرب دیده می شود در شعر سعد ابن سلم پس از ایمان به اسلام و در مدح پیامبر اسلام چنین می سراید.

الا یا رسول الله انک.....فیورکت مهدیا و بورکت صادق هدایا

در دیدگاه آخر زمانی مسلمانان مهدی به معنای هدایت شده، اعاده کننده دین خدا و بر پا کننده عدالت و منجی موعود است بنا بر تفاسیر مختلف هفت، نه، یا نوزده سال پیش از روز قیامت حکومت خواهد کرد و زمین را از ظلم و جور پاک خواهد کرد. مهدی در مذهب تشیع دوازده امامی اشاره به حجت ابن الحسن امام دوازدهم شیعیان فرزند حسن العسکری دارد.

بنا بر این مهدی باوری به معنای اعتقاد به آمدن عدالت گستر که در آخر الزمان خواهد آمد و حکومت جهانی را بر پا نموده و دین اسلام را جهانی خواهد کرد.

مهدی باوری به معنای اعتقاد به یک نجات بخش است که در آخر الزمان برای نجات و رهایی انسان ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد. اعتقاد به منجی، در ادیان و ملل و اقوام مختلف و با آیین ها و فرهنگ های کاملاً متفاوت وجود دارد و در آنها منجی موعود و نجات بخش به اشکال و صور گوناگون و متنوعی مطرح شده است. در میان این گروه ها، شیعه به ظهور حضرت مهدی «عج» معتقد است

«مهدویت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است که از اضافه شدن «ت» به «مهدوی» ساخته شده. مهدوی به معنای مربوط بودن به مهدی است، مانند واژه علوی و حسنی. «ت» در واژه «مهدویت»، تایی تأنیث است و به واسطه حذف شدن موصوف آمده است؛ یعنی در اصل «طریقه مهدویّه» یا مانند آن بوده است.^۱

استفاده از واژه مهدی به معنای منجی و نجات‌بخش عمدتاً بر اساس احادیث نبوی است. الْمَهْدِي مِنْ وُلْدِي، وَجَهَةٌ كَالْكَوْكَبِ الدَّرِّيِّ، وَاللَّوْنُ لَوْنُ عَرَبِيٍّ، وَالْجِسْمُ جِسْمُ إِسْرَائِيلِيٍّ، يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ جَوْرًا، يَرْضَى بِخِلَافَتِهِ أَهْلُ السَّمَاءِ وَالطَّيْرِ فِي الْجَوْ: مهدی مردی از اولاد من است رنگ بدن او رنگ نژاد عرب و اندامش مانند اندام بنی اسرائیل است، در گونه راست وی خالی است که چون ستاره تابناکی بدرخشد زمین را پر از عدل کند چنان که پر از ظلم شده باشد، ساکنان زمین و آسمان و پرندگان هوا در خلافت وی خشنود خواهند بود.

ب: فریقن

بعد از رحلت پیامبر اسلام «ص» در بستر تاریخ مسلمانان در فرقه‌ها و شعبه‌های مختلف تقسیم شدند. و مهم‌ترین تقسیم‌بندی که بعد از رحلت پیامبر و جریان سقیفه به وجود آمد، شیعه و سنی بود. عده‌ای بعد از رحلت پیامبر در سقیفه بنی ساعده جمع شدند و ابوبکر را به عنوان خلیفه مسلمانان برگزیدن، در مقابل عده‌ای به رهبری حضرت علی

^۱. الویری، «گونه‌شناسی رویکردهای آموزه مهدویت در چهارچوب ظرفیت تمدنی»، ص ۶۱

علیه السلام مخالف این گزینش بوده و خود را بر اساس حدیث غدیر و بسیاری از شواهد که در زمان پیامبر به وقوع پیوست، وصی بعد از رحلت پیامبر «ص» می دانستند. بنابراین منظور از فرقین در این مقاله، دو دسته بزرگ اسلام (شیعه و سنی) است.

ج: مهدی باوری در قرآن

دانشمندان علوم اسلامی معتقدند که برای اولین بار گفتمان مهدویت در قرآن عظیم الشان مطرح شده است.

آنان مدعی اند که حدود ۳۲۴ از قرآن کریم مرتبط به مهدویت است که به تبیین بخش های؛ چون پیشبینی منجی باوری در بین ملل و ادیان گذشته سر نوشت جهانی بر اساس مهدویت تشکیل حکومت جهانی در آخرالزمان پرداخته است.

۱. آیات اظهار تسلط دین اسلام بر ادیان الهی

در این بخش آیات منظور است که دین اسلام را دین جهانی می داند و متدینان و عده می دهد که روزی این دین جهانی خواهد شد؛ هنوز تحقق نیافته اند و تنها تفسیر آن در باره مهدویت صادق است. این آیات با تعابیر مشابه در چند سوره تکرار شده است:

« هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا^۱ »

^۱. سوره فتح، آیه ۲۸

ترجمه: که فرستاده اش با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ای دین ها پیروز کند؛ و گواهی خدا کافی است.

« هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ »^۱
کسی که فرستاده اش با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ای دین ها پیروز کند؛ گرچه مشرکان ناخوشنود باشد.

این آیات بیانگر اسن حقیقت است که اسلام دین جهانی است و روزی تنها دین موجود در جهان خواهد بود. بر اساس تحلیل مفسران این آیات تحقق پیدا نمی کند مگر این که در آخرالزمان کسی بیاید که این دین را جهانی کند و آموزه های آن را بر تمام جهانیان تطبیق نماید.

۲. آیه رفع فتنه جهان

«وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»^۲

با آنان (کافران) پیکار کنید، تا آشوگری باقی نماند و دین، یک سره از آن خدا باشد، و اگر آنان به کفر پایان دادند، پس در واقع خدا به آنچه انجام می دهند، بینا است.

محتوای این آیه تا هنوز تحقق نیافته است و نحقق آن می طلبد که منجی بیاید و با تشکیل حکومت عدل جهانی آشوبی در زمین باقی نماند. چنانچه که آلوسی از مفسران بزرگ

^۱. سوره براءت، آیه ۳۳

^۲. سوره انفال، آیه ۳۹

اهل سنت نیز در ذیل آیه فوق اشاره می کند که تاویل این آیه هنوز مشخص نشده است و هنگام ظهور مهدی تاویل آن خواهد آمد که بر روی زمین هیچ مشرکی نماند.^۱

۳. وعده حکومت بندگان صالح و مومنان نیکوکار بر زمین

«و لقد كتبنا فی الزبور من بعد الذکر أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون»^۲

آگان کننده (تورات) یقیناً، نوشتیم که بندگان صالح و شایسته ام، آن زمین را به ارث خواهند برد.

مراد از ارض، تمام زمین بوده و بندگان صالح، تا حال، وارث همه زمین نشده اند. پس بایسته است که این واقعیت، در آینده، تحقق یابد و وقوع این (مشیت) جز به دست مهدی منتظر - عجل الله تعالی فرجه شریف، محتمل نیست.

علامه آلوسی یکی از مفسران بزرگ اهل سنت، پس از ذکر اقوال در باره آیه فوق، چنین نتیجه می گیرد که وراثت زمین و لوازم آن برای صالحان در باره مومنان است در عصر مهدی «عج» و نزول عیسی علیه السلام.^۳

۱. آلوسی، بی تا، ۱۷۴

۲. سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

۳. آلوسی، همان: ۹۵

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ
مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي
لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا^۱

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده اند، وعده می دهد که آنها را به طور قطع خلیفه روی زمین خواهد کرد همان گونه که به پیشینیان خلافت روی زمین بخشید و دین آیینی را که برای آنها پسندیده پا بر جا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس آنها را به امنیت و آرامش تبدیل خواهد کرد، بگونه ای که تنها مرا بپرستند و چیزی را برای من شریک نگیرند.

در این آیه سه وعده داده شده که هر کدام وعده دهنده خداوند، وعده گیرنده مومنان صالح و موارد و موضوعات وعده: «استخلاف و حکومت روی زمین به نمایندگی از خداوند» «تمکین دین که نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه زندگی است» و «تبدیل خوف و امنیت و بر طرف شدن تمام عوامل ترس و نا امنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در روی زمین»

همچنین در آخر آیه هدف نهایی از تحقق حکومت واهد الهی بر پهنه گیتی، چنین ذکر شده که مردم تنها خدا را بپرستند و چیزی را شریک و قرار ندهند. این هدف، راه حکومت الهی را از راه حکومت های غیر الهی جدا می کند چرا که هدف نهایی در آنها، بر خورداری همه از رفاه برتر و بهره مندی بیشتر از لذایذ مادی است.

^۱. سوره نور، آیه ۵۵

در این زمینه اهل سنت، این کثیر در ذیل آیه فوق، با ذکر روایتی که تعداد سرپرستان را دوازده نفر معرفی می کند، یکی از این خلفای عادل را مهدی موعود معرفی می نماید که جهان را پر از عدل خواهد کرد.^۱

وضع نامطلوب جهان معاصر به خصوص جنگ های داخلی و فرا مرزی به خوبی نشان می دهد که این وعده الهی که در کتاب های آسمانی داده شده است، تحقق نیافته است و با استمرار وضع موجود و نیامدن منجی فوق این حکومت ها تحقق نمی یابد.

۴. قیام امام مهدی علیه السلام از نشانه های رستاخیز

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ فَعَدَّ جَاءَ أَشْرَاطُهَا فَاَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ.^۲

انتظار جز آمدن ساعت «رستاخیز» دارند که ناگهان به سراغشان می آید، پس به یقین نشانه های آن آمده است؛ هنگام که «قیامت» به سراغ آنها می آید پس کجا یاد آوری شان برای آنان سود دارد.

در حدیثی از پیامبر «ص» نقل شده که: اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدا آن روز را طولانی مس کند، تا مردی از اهل بیت من برانگیزد؛ از جمله بعثت پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم، شقل المقر، دخان و..... ولی مفسران شیعه و اهل سنت، ظهور حضرت مهدی علیه السلام را یکی از علامت های رستاخیز بر شمرده.^۳

۱. ابن کثیر ۱۴۱۲ - ۱۶۵

۲. سوره محمد، آیه ۱۸

۳. مکارم شیرازی، ۱۳۶۴ - ۴۴۹

از جمله روایات که اهل سنت ذکر کرده اند، احادیثی است که مضمون آن، شبیه روایت فوق الذکر از پیامبر است. عن ابن مسعود قال قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم؛ لا تذهب الدنيا او لا تنقضی الدنيا حتی يملك العرب رجل من اهل و يواطئ اسمه اسمی.^۱ این گونه احادیث در حقیقت، نشانه های رستاخیز را توضیح می دهد، و نوعی تفسیر برای آیه فوق به شمار می آید.

«یریدون لیطفئوا نور الله بأفواههم و الله متمّ نوره»

می خواهند نور خدا را با دهان شان خاموش کنند و حال آن که و خداوند، نور خود (اسلام) را تمام می کند.

این بخش از آیه، پیامی از جانب خداوند هستی بخش است که نور خود را بر سر تاسر این کره ی خاکی می گستراند. مصداق این بشارت، تا حال، واقعیت نیافته و از آن جا که امکان ندارد، خداوند خبر خلاف واقع دهد، باید روزی این نوید و بشارت صورت پذیرد. و تحقق آن، تنها، به دست امام مهدی - عجل الله تعالی فرجه شریف - است: بنابراین، این آیه، بدون نیاز به تفسیر روایی، به مطلب تصریح دارد.

مهدی باوری در ادیان

ایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب - ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود، عدل و قسط، گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان، به ارمغان خواهد آورد و

^۱. ابن حنبل، ۱۴۷۵-۳۷۶

به ستم و تجاوز ظالمان در پهنه‌ی کره‌ی خاکی پایان خواهد بخشید و دولت کریمه‌ی عدل پرور و دادگستری را بنیان خواهد نهاد، عقیده‌ای است که پیروان سه‌گانه‌ی ابراهیمی و بخش چشم‌گیری از سایر ملل بدان ایمان داشته و دارند.^۱ یهودیان مانند مسیحیان که به بازگشت عیسی (ع) معتقدند به ظهور یک منجی می‌اندیشند و همان‌گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت «بهرام شاه» اند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود «تئودور» موعود هستند و هندوها نیز به خروج «ویشنو» دل‌بسته‌اند و مجوسی‌ها به زنده بودن «هوشیدر» اعتقاد راسخ دارند و بودایی‌ها منتظر باز آمدن «بودا» و اسپانیایی‌ها مترقب بزرگ خود «رودریک» اند و اقوام مغول هم رهبر خود «چنگیز» را منجی بزرگ می‌شمارند. هم‌چنین ایده «ظهور منجی» در مصر باستان هم رواج داشته است، همان

در کنار این حقایق تکان دهنده، تصریحات قابل توجهی از نوابغ مغرب زمین و اندیشمندان آن دیار می‌یابیم، مبنی بر این که جهان در انتظار مصلح کبیری است که سررشته‌ی امور را به دست خواهد گرفت و جامعه‌ی بشری را زیر یک پرچم و به دنبال یک هدف، گرد هم خواهد آورد. مانند فیلسوف شهیر انگلیسی برتراند راسل که می‌گوید: «دنیا چشم‌به‌راه مصلحی است که همگان را در سایه یک پرچم و یک شعار متحد سازد». متفکر دیگر، پروفیسور آلبرت انیشتین، این‌گونه اظهار می‌کند: فرا رسیدن آن روزی که در جای‌جای جهان، صلح و صفا حکومت کند همه اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید. در این میان، سخن فیلسوف نامدار انگلیسی

^۱. مجتبی تونه‌ای، الفبای مهدویت، قم: نشر میراث ماندگار، ۱۳۸۹، ص ۷۱۶.

«برناردشاو» شایان توجه است. وی در کتاب خود «بشر و ابرمرد» به ظهور یک مصلح بشارت می‌دهد. در این زمینه، استاد بزرگ عباس محمود العقاد می‌نویسد: «به نظر ما ابرمرد مورد نظر شاو از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه گرفته است. علی‌رغم وجود مذاهب مختلف اسلامی و تفاوت‌های عقیدتی ناشی از آن، همه‌ی مسلمانان طبق بشارت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به ظهور امام مهدی (عج) در آخرالزمان اعتقاد راسخ دارند. بسیاری از علمای اهل سنت، از قرن سوم هجری کرده‌اند. اساساً میان مسلمانان دیگر پیروان ادیان و ملل مختلف، در اصل اعتقاد به ظهور یک منجی در آخرالزمان هیچ‌گونه اختلافی نیست، هرچند در مصداق آن میان مسلمانان و دیگران اختلافی وجود دارد، لیکن تمامی امت اسلامی بر این باورند که اسم مبارک وی «محمد» لقب او «مهدی» است.^۱

الف: مهدی باوری در ادیان شرقی

۱. در آئین هندیان

- آیین هندو: در آیین هندو، موعود نجاتبخش موسوم به کالکی در پایان آخرین دوره زمانی از ادوار چهارگانه جهانی، یعنی کالی یوگه ظهور خواهد کرد. بنابر تفکر هندویی، جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل شده است. در چهارمین دوره، یعنی عصر کالی، فساد و تباهی سراسر جهان را فرا می‌گیرد. زندگانی

^۱. مهدی علیزاده، در انتظار ققنوس، قم: نشر: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۸۷، ص ۴۷

^۲. حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، ص ۳۴

اجتماعی و معنوی به نازل‌ترین حدّ خود نزول می‌کند و موجبات زوال نهایی را فراهم می‌سازد.^۱

در این عصر (کالی یوگه یا دوره انحطاط) که بنابر باورهای هندویی از نیمه شب بین ۱۷ و ۱۸ ماه فوریه سال ۳۱۰۲ قبل از میلاد مسیح شروع گردیده، و ما اکنون در آن به سر می‌بریم، فقط به یک چهارم درّمه (دین یا نظم کیهانی) عمل می‌شود و سه چهارم به فراموشی سپرده شده است. مردمان این دوره گناهکار، ستیزه‌جو و چون گدایان، بدقبال و سزاوار اقبالی نیستند. چیزهای بی‌ارزش را ارج می‌نهند، آزمندانه می‌خورند و در شهرهایی زندگی می‌کنند که پر از دزدان است.^۲ بر اساس ادیان و مکتب‌های فلسفی هند،^۳ در پایان چنین دوران سیاهی، آخرین و دهمین تجلّی (اوتارّه) ویشنو موسوم به کالکی، سوار بر اسبی سفید و به هیأت انسان ظهور خواهد کرد. وی سراسر جهان را سواره و با شمشیری آخته و رخشان در می‌نوردد تا بدی و فساد را نابود کند. با نابود کردن جهان، شرایط برای آفرینشی نو مهیا می‌شود تا در مه‌ایوگای آتی، دیگر بار عدالت و فضیلت ارزش یابند.

در کتاب «دید» از کتاب‌های مقدس دینی نزد هندیان، چنین آمده است:

۱. طبری، دلائل الامامه، ۴۱۳ق، ص ۴۴۱؛ ابن بطری، عمده عیون، ص ۴۳۹

۲. جمعی از محققین، معجم احادیث امام مهدی، جلد ۵

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۵

« پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا می شود که پیشوا خلق باشد و نام وی منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد و همه کس را مومن و کافر بشناسد و هر چه از خدا خواهد بر آید.^۱»

در کتاب «باسک» که نیز از کتاب های مقدس هندیان است، آمده است « دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان که پیشوای فرشتگان، پریان و آدمیان باشد و حق و راستی وبا او باشد و آنچه در دریا و زمین و کوه ها پنهان شده، همه را به دست آورد و از آسمان ها و زمین و آنچه باشد خبر دهد و از او بزرگ تر کسی به دنیا نیاید.^۲»

در کتاب «و شن جوک» یکی دیگر از کتاب مقدس هندیان نیز آمده است: « در اواخر دنیا به کسی بر گردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد و خلق را زنده کند.^۳»

در کتاب «مهابهاراتا» و برخی کتب دیگر آنان نیز در این باره آمده است: « همه ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود، و چون طبعاً و فطرتاً، در هبوط و دوری از مبدأ است و مانند احجار به سوی پایین حرکت می کند، نمی تواند به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی و پایان دهد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبداء وحی و الهام و سرچشمه

۱. صافی، ۱۳۹۲: ۲۴۵

۲. مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۱۵

۳. همان، ۱۳۸۸: ۳۱۴

می گیرد ظهور خواهد کرد و جهانی را از تاریکی جهل و غفلت و ظلم و ستم نجات خواهد داد.^۱

۲. در آئین بودیسم

• آیین بودیسم: در آیین بودا، اندیشه منجی موعود با مفهوم میتریه (واژه‌ای سنسکریت به معنای مهربان) تبیین می‌گردد. در الهیات بودایی، او را بودای پنجم^۲ و آخرین بودا از بودایان زمینی می‌دانند که هنوز نیامده است، اما خواهد آمد تا همه انسان‌ها را نجات دهد. در نمادنگاری بودایی، او را به هیأت مردی نشسته که آماده برخاستن است، نمایش می‌دهند تا نمادی باشد از آمادگی وی برای قیام!

روایات بودایی درباره شخصیت و چگونگی ظهور آخرین بودا یا منجی موعود یعنی کسی که خواهد آمد تا همگان را مژده رهایی داده و آنان را از چرخه آهنین رجعت‌های مداوم به عالم نجات دهد، همداستان نیستند. در سنت مهاییانه که یکی از دو سنت یا مذهب اصلی بودایی است، توجه بیشتری به شخصیت میتریه شده است. در روایات مهاییان‌های، شاکیه مونی که همان گُتمه بودای مشهور است چهارمین بودا و میتریه که پس از او خواهد آمد، به عنوان بودای پنجم معرفی شده است. در حالی که در برخی روایات بودایی، گُتمه بودای هفتم است و بوداسف در آینده و به عنوان آخرین بودا ظهور خواهد کرد. درباره

^۱. صادقی: همان، ۲۴۷

^۲. تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۳۵

زندگی و سرنوشت مقدر میتریه نیز به عنوان آخرین بودا اختلاف وجود دارد. در کانون پالی (منبع اصلی اطلاعات ما از آیین بودای اولیه) اهمیت چندانی به وی نداده‌اند؛ تنها در یک سوره (سوره چکه وئی سیهه ناده) از این مجموعه، نام او را برده‌اند. اما از آثار غیر کانونی (غیر مقدس) دو اثر به این آموزه اختصاص یافته است.

در مهاوتسه که به تاریخ سریلانکا می‌پردازد، روز شمار حوادث مربوط به قیام میتریه به وضوح چنین گفته شده است:

پس از آن که شاکیه مونی به پری نیروانه (نیروانه بزرگ) رسید، جهان پا به سرایشی اجتماعی و کیهان شناختی نهاد؛ پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتاب آموزه‌های بودایی افول می‌کند و طول عمر آدمیان به ده سال فرو می‌کاهد. در این زمان، چرخه وارونه می‌گردد: زندگی متحول شده، به طوری که متوسط عمر مردم به هشتاد هزار سال می‌رسد^۱ با این عمرهای طولانی و زمینه مناسب برای تعالیم بودا، یک چکره ورتین یا (راهنما) خواهد آمد. او برای مردم رفاه و بهروزی می‌آورد و آموزه‌های بودا را ترویج می‌کند. آن گاه که چنین فضایی بهشت گون فراهم آمد، میتریه از آسمان توشیته نزول می‌کند، بودایی خویش را به کمال می‌رساند، و درمه را به فرهیختگان می‌آموزد. مها کشیپه، از مریدان برجسته بودا، از خلسه‌ای که پس از پری نیروانه معلم خویش بدان فرو رفته بود، بیرون می‌آید تا بار دیگر بودا را خدمت کند و آموزه‌های آن روشنی یافته را بشنود.

^۱. الامام المهدی، علی دخیل، ص ۶۶

و برای روشن شدن مفهوم موعود و منجی در بودیسم، لازم است با دو مفهوم «بودا» و «بودیستوه» بهتر آشنا شویم. بودا و بودیستوه، در واقع عنوان هایی هستند برای موجوداتی علوی، که در رستگاری انسان موثرند.

بود به نجات دهندگانی گفته می شود که در زمان گذشته به دنیا آمده اند و ابتدا صورت بشری داشته اند، سپس به مرتبه اشراق رسیده و پس از اینکه انسان ها را به راه درست زندگی رهنمون شده اند، به مقام نیروانا (فناى مطلق) رسیده اند. سدراته گوتمه «بودا» از این نوع است. در اعتقاد بوداییان بودا یک نوع اصل است که در زمان های مختلف، خود را تسلط شخصیت های مختلف متجلی می کند.

اما بو ستوه ها، در حقیقت بودا های بالقوه هستند که حیات جسمی فعلی ندارند. هر فرد بودایی، قبل از رسیدن به مقام بودائیت، یک بودیستوه است، مثلاً سدارته پیش از بیداری، یک بودیستوه بود. مفهوم بودیستوه اگر چه در متن تفکرات اصیل بودایی وجود داشت، ولی بیشتر توسط مهاییانه مورد توجه و پردازش قرار گرفت.^۱

در مکتب هیینه یانه، تنها دو بودا از این قبیل ذکر شده است که یکی همان گوتمه «سدارته» بودا است و دیگر «متریه» که یک بودیستوه است و بودائیت او در حال کمون است.

اما در مهاییانه توجه بیشتری به این موجودات علوی شده است. در این مکتب سدارته «بودا» چهارمین بودا از بودایان زمینی است که به دنیا آمده است و پنجمین بودا که خواهد آمد و اکنون بودیستوه است، همان متریه است.

^۱. هانس ولفانگ، ۱۳۶۲-۱۲۸

همان طوریکه گفته شد مفهوم منجی و موعود در بودا را می توان در همین مفهوم متریه که علی رغم اختلافات موجود، در هر دو مکتب عمده بودایی مشترک است.

متریه بود یستوه ای است که در آینده می آید، و هم اکنون در حال کمون است. او منتظر است که رمان بروز و ظهور او در روی زمین اقتضا شود؛ مرتبه شهود و اشراق را حاصل کرده؛ خلایق را در عصر خویش، همانند گوتمه به سر منزل سعادت رهبری می کند و به همگان مژده رهایی داده آنها را از چرخه برگشت به دنیای سراسر رنج نجات می دهد.^۱

مفهوم متریه در بودیسم و خصوصا در مهاییانه مورد احترام و بزرگی خاصی است، و از او تمثال ها و پیکرهایی ساخته شده، و او در نهایت مجد و بزرگی، به هئیت مردی نشسته که آماده بر خاسته است؛ نشان داده اند.

اگر چه در مورد جزئیات اتفاقات و زندگی متریه به هنگام زندگی در این دنیا، معلومات یک سان و زیادی در متون مقدس بودایی وجود ندارد، ولی اعتقاد به آمدن او در بودیسم، یک اصل انکار ناپذیری است.

در «کانون پالی» نام متریه در بخش «چکه و تی سهیه ناده» برده شده است و در آثار بودایی غیر پالی نیز چند اثر به متریه اختصاص یافته است.

در «مهاونسه» چنین اتفاقاتی را در مورد زمان آمدن متریه می خوانیم: پس از آنکه شاکیه مونی به پری نیروانه رسید، جهان پای به سرایشی اجتماعی و کیهان شناختی نهاد. پنج هزار سال پس از آخرین بودا، آفتاب آموزه های بودایی افول می کند و طول عمر آدمیان

^۱. ابازری؛ ۱۳۷۲: ۲۴۸

به ده سال فروی کاھد. در این زمان چرخه وارونه و زندگی متحول می شود به طوری که متوسط عمر مردم رفاه و بهرورزی می آورد و آموره های بودا را ترویج می کند. آنگاه که چنین فضای بهشت گونه ای فراهم شد، متریه از آسمان نزول می کند و بودایی خویش را به کمال می رساند.^۱

۳. آیین کنفوسیوس

کنفوسیوس شعار بازگشت به عصر فرزانه شاهان باستان را سرلوحه اندیشه های اصلاحی خویش قرار داده بود و در اندیشه طرفداران این آئین گره خوردن به فرزانی شاهان وجود دارد.^۲

۴. آیین تائو

در بستر فرهنگی و دینی مردمان چین آئین تائو در کنار آئین کنفوسیوس و دیگر مکاتب فکری نقش آفریده است، منتهی در آئین تائو رگه های روشن تری از منجی باوری و انتظار موعود را می توان بر شناخت. بر پایه متن «زندگی قدیس آخر الزمان و پردوردار طریقت» در یک سال جن - چن، یعنی بیست و نهمین سال از دوره شصت ساله که احتمالاً ۳۹۲ باشد، لی هونگ ظهور خواهد کرد تا جهانی نو بر پا کند.^۳

۵. آیین شیتو

۱. اردستانی، ۱۳۸۳: ۸۴

۲. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۶۳

۳. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص: ۱۴۶

ژاپن نیز همچون چین فرهنگ و دیانتی چند گانه دارد و لذا دین شیئتو و آئین بودا در هم آمیخته و درون مایه آرمان ها، بیم ها و امیدهای آن ملت را ساخته اند، به طوری که شماری از مذاهب منجی باوری در آنجا سر بر آورده اند. که مهم ترین آنها عبارتند از: کورزو میکو که شخصی به نام کاواته بونجیرو (۱۸۸۳-۱۸۱۴م) پایه گذار آن بود و نهضت تنریکیو که پرچم دار آن ناکایاما میکی (۱۸۷۸-۱۷۹۸م) است.^۱

ب: مهدی باوری در ادیان ابراهیمی

۱. در آیین زرتشت

برخلاف دیگر ادیان، که معمولاً منتظر یک موعود نجات بخش اند، زرتشتیان منتظر سه موعود هستند که هر یک از آنها به فاصله هزار سال از دیگری ظهور خواهد کرد.^۲

به موجب روایات زرتشتی و بنا به یشت نوزدهم، در آخرالزمان از زرتشت سه پسر متولد می شود که با نام عمومی سوشیانس خوانده می شوند. این نام به خصوص برای تعیین آخرین موعود تخصیص یافته و او آخرین مخلوق اهورا مزدا خواهد بود. کلمه سوشیانس که از ریشه سو به معنی سود و سودمند است، در اوستا سوشیانت آمده و در پهلوی به اشکال گوناگونی چون: سوشیانت، سوشیانس، سوشانس، سوسیوش، سیوسوش آمده است.^۳

^۱ إعلام الوری بأعلام الهدی، ص: ۴۵۶

^۲ بحار الأنوار، ج ۲، ص: ۱۹۰

^۳ فضائل الخمسة من الصحاح الستة، ج ۳، ص: ۳۳۵

این سه پسر آینده زرتشت موعودهای نجات‌بخش‌اند که در هزاره آخر عمر جهان به فاصله هزار سال از همدیگر ظهور خواهند کرد. این سه تن عبارتند از ۱. اوخشیتِ اِرتَه یعنی پروراننده قانون مقدس (نیرو دهنده و روا کننده قانون دین و دادِ زرتشت امروزه این نام را اوشیدر یا هوشیدر گویند، و در کتب پهلوی به صورت خورشیتدر یا اوشیتدر آمده است. گاه کلمه بامی را به آن افزوده، هوشیدر بامی می‌گویند که به معنی هوشیدر درخشان است. ۲. اوخشیتِ نِمَه، یا اوخشیتِ نِمَنگَه، یعنی پروراننده نماز و نیایش. امروزه آن را اوشیدر ماه یا هوشیدر ماه می‌گویند، ولی در کتب پهلوی به صورت خورشیتماه و اوشیتر ماه ضبط شده است. ۳. اَسْتَوَتِ اِرتَه، یعنی کسی که مظهر و پیکر قانون مقدس است. این استوتِ اِرتَه همان سوشیانس، یعنی سومین و آخرین موعود در آیین مزدیسناست. این سه برادر از پشت و نطفه زرتشت هستند. بنابر سنت زرتشتی نطفه زرتشت را ایزد نریوسنگ برگرفت و به فرشته آب (ناهید) سپرد، که آن را در دریاچه کیانسیه (هامون) حفظ کرد.

در پایان هزاره دوازدهم، از خاندان بهروز، دوشیزه‌ای در آب هامون شست و شو می‌کند و بارور می‌شود و از او سوشیانس، آخرین آفریده اهورا مزدا، متولد می‌شود. در سی سالگی، مزدیسنا امانت رسالت را به وی واگذار می‌کند. به واسطه نشانه متوقف شدن خورشید در وسط آسمان، به عالمیان ظهور سوشیانس و نو کننده جهان بشارت داده خواهد شد. بعد از ظهور وی، اهریمن و دیو دروغ نیست و نابود می‌گردد. یاران آن موعود که از جاودانان هستند، قیام می‌کنند و همراه وی خواهند بود تا مردگان برخیزند و جهان معنوی روی دهد.

منجی یا موعود در آخرالزمان در جهان بینی زرتشتی جایگاه ویژه دارد. او را سوشائینس می‌کند. این واژه اسم فاعل مضارع است است که به معنای سود آورنده آمده است.^۱

در بند ۱۲۹ در مورد زرتشت چنین آمده است: «کسی که سوشائینس پیروزگر نامیده خواهد شد و استوت ارت نامیده خواهد شد. از این جهت سوشائینس برای اینکه او به سراسر جهان مادی سود خواهد بخشید، از این جهت استوت ارت برای اینکه او آن چه را جسم و جانی است پیکر فناپذیری خواهد بخشید از برای مقاومت کردن بر ضد دروغ جنس دوپار^۲

در کتاب «زند» که در آن نیز پیشگویی شده که سوشائینس نژاد دیوان و اهریمنان را ریشه کن می‌سازد، آمده است: آنگاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازد... عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست.^۳

۲. یهودیت

در کتاب مقدس یهودیان (عهد عتیق) اشارات مکرری به نجات بخش آخر زمان شده است.^۴ شخصی که می‌آید تا جهان مطلوبی که همه خواستار آنند و سودایش را در سر

۱. آژی، ۱۳۹۲: ۴۹

۲. آژی، ۱۳۹۲: ۵۲

۳. مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۱۴

۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص: ۳۳۳

می‌پرورانند را از نو بسازد. جهانی روشن و عاری از پلیدی‌ها که در آن آدمی به همه آرزوها و امیال پاک انسانی برسد و کامیاب شود.

تقریباً در همه بخش‌های مزامیر، اشاره به ظهور منجی آخرالزمان، نوید پیروزی صالحان بر شریران، تشکیل حکومت واحد جهانی و بالاخره تبدیل ادیان و مذاهب گوناگون به دینی واحد و جهان‌شمول موجود است

و او قوم تو را به عدالت داوری خواهد نمود و مساکین تو را به. انصاف آنگاه کوه‌ها برای قوم، سلامتی را به بار خواهند آورد، وتل‌ها نیز در عدالت، مساکین قوم را دادرسی خواهد کرد و فرزندان فقیر را نجات خواهد داد و ظالمان را زبون خواهد ساخت.... در زمان او، صالحان خواهند شکفت و وفور سلامتی خواهد بود، مادامی که ماه نیست نگردد. و او حکمرانی خواهد کرد از دریا تا دریا، و از نهر تا اقصای جهان. به حضور وی، صحرانشینان گردن خواهند نهاد و دشمنان او خاک را خواهند لیسید... جمیع سلاطین او را تعظیم خواهند کرد و جمیع امت‌ها او را بندگی خواهند نمود... بر مسکین و فقیر کرم خواهد فرمود و جان‌های مساکین را نجات خواهد بخشید... نام او تا ابد الابد باقی خواهد ماند؛ اسم او پیش آفتاب دوام خواهد کرد؛ آدمیان در او برای یکدیگر برکت خواهند خواست، و جمیع امت‌های زمین او را خوشحال خواهند خواند.^۱

یهودیان معتقدند نجات دهنده آخرالزمان، مسیح (=مشیح) به معنای مسح شده خداوند است که جهان مطلوب و درخشان آینده را می‌سازد. اکثر اندیشمندان یهود بر این باورند

^۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص: ۳۲۷

که ظهور مسیح و فعالیت او برای بهبود وضع جهان و برقراری صلح و آرامش میان همه اقوام و تأمین خواست‌ها و نیازهای بشری، بخشی از نقشه‌های خداوند در آغاز آفرینش بوده است. براساس همین عقیده، لزوم وجود نجات بخش که کسی جز مسیح نیست، پیش از آفرینش کاینات به ذهن خداوند خطور کرده است.^۱

به اعتقاد همه یهودیان، نجات دهنده (مسیح) انسانی است همانند دیگران؛ اما برخوردار از جلوه و جبروت خدایی. او جهان را با نور خویش که جلوه‌ای از نور خداست روشن خواهد کرد. برخی ماشیح را همان داوود می‌دانند. برخی دیگر، او را از خانواده داوود می‌شمارند. گروهی نیز می‌گویند که خداوند در پایان جهان، داوود دیگری را برای نجات مردم می‌فرستد.^۲

یکی از پایه‌های اساسی و اصول مهم آیین یهود، ایمان به ظهور ما شیخ و نجات بخش است. طبق نظر هارامبام، هر فرد یهودی که به ماشیح اعتقاد نداشته باشد و یا چشم به راه آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی و سایر انبیاء بنی اسرائیل است؛ زیرا همانطور که ذکر خواهد شد، موضوع ماشیح به کرات در متون مقدس عنوان گشته است.

اما علی‌رغم اهمیت این موضوع و ذکر مداوم آن در گفتارهای مذهبی جامعه یهودی، معمولاً این عقیده بصورت یک تئوری خشک و خیالی تلقی می‌شود تا واقعیتی قابل لمس و حقیقی در واقع تردید و ابهام زیادی این موضوع را احاطه کرده است که از جمله

^۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص: ۱۴۶

^۲. پوربهرامی، سهروردی و استمرار ولایت در تمام زمان‌ها، ص ۱۱۶

دلایل آن می توان عدم برخورداری از دانش کافی ترس و واهمه از نا شناخته ها و روبرو شدن با آینده نا معلوم و اسرار آمیز را نام برد.

مهم ترین مژده آمدن مسیح یا ماشیخ در کتاب اشعیای نبی آمده است: نهالی از تنه یسی بیرون آمده، شاخه ای از ریشه هایش خواهد شکفت و روح خداوند بر او قرار خواهد گرفت یعنی روح حکمت و فهم و روح مشورت و قوت و روح معرفت و ترس خداوند و خوشی او در ترس خداوند خواهد بود و موافق رویت چشم خود داوری نخواهد کرد و بر وفق سمع و گوش های خویش و تنبیه نخواهد نمود. بلکه مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومان زمین براستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شیریران را به نفخه لبهای خود خواهد گشت و کمر بند کمرش عدالت خواهد بود و کمر بند میانش امانت و گرگ با بره سکونت خواهد داشت و پلنگ با بزغاله خواهد خوابید و گوساله و شیر و پرواری با هم، و طفل کوچک آنها را خواهد راند.

در کتاب مزامیر داود که از کتاب های عهد قدیم است آمده است که: شیریران منقطع خواهند شد اما متوکلان به خداوند وراثت زمین خواهند شد.^۱

در همین کتاب آمده است: صدیقان وارث شده و همیشه در آن ساکن خواهند شده^۲

^۱. مکارم شیرازی، ۱۳۸۸: ۳۱۵

^۲. آذیر، همان، ۱۲۴

در انجیل متی فصل ۲۴ چنین آمده است « چون برق از مشرق بیرون می آید و تا به مغرب ظاهر می گردد فرزند انسان نیز چنین خواهد بود.

۳. مسیحیت

بنابر اعتقاد مسیحیان نجات دهنده، فارقلیط به معنای تسلی دهنده و شفیع و مددکار است؛ اما در عهد جدید، مراد از آخرین نجات دهنده همان عیسی مسیح است که بار دیگر زنده خواهد شد و جهان سراسر فساد و تباهی را نجات خواهد داد:

«نفس او در عالم اموات گذاشته نشود و جسد او فساد را نبیند. پس همان عیسی را خدا بر خیزاند و همه ما شاهد بر آن هستیم.^۱

«همچنین مسیح نیز چون یک بار قربانی شد تا گناهان بسیاری را رفع نماید، بار دیگر بدون گناه برای کسانی که منتظر او می باشند، ظاهر خواهد شد به جهت نجات البته ذکر این نکته مهم در اینجا الزامی است که در عهد جدید به جز عیسی مسیح، به موعود نجاتبخش دیگری نیز اشاره شده است که عیسی مسیح، وعده آمدنش را می دهد. وی «تسلی دهنده» دیگری است که مسیح از خدا (پدر) برای امتش درخواست می کند و خدا او را اعطا میکند تا همیشه با ایشان باشد. جهان او را نمی بیند و نمی شناسد، ولی آنانکه به مسیح ایمان دارند، وی را باز می شناسند:

^۱. پوربهرامی، سهروردی و استمرار ولایت در تمام زمانها، ص ۱۱۷

و من از پدر سؤال می‌کنم و تسلی دهنده‌ای دیگر به شما عطا خواهد کرد تا همیشه با شما باشد؛ یعنی روح راستی که جهان نمی‌تواند او را قبول کند. زیرا که او را نمی‌بیند و نمی‌شناسد؛ اما شما او را می‌شناسید، زیرا که با شما می‌ماند و در شما خواهد بود.^۱

او آن مسیحایی نیست که امت موسی و یهودیان انتظارش را داشته و دارند. او بعد از عیسی مسیح و پس از رفتن وی خواهد آمد. او هدایتگر به همه راستی‌ها است و جهان را به عدالت و داوری ملزم خواهد نمود. از خود چیزی نمی‌گوید، بلکه از مسیح خبر میدهد و او از خدا پدر و من به شما راست می‌گویم که رفتن من برای شما مفید است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد، اما اگر بروم او را نزد شما می‌فرستم. و چون او آید جهان را بر عدالت و داوری ملزم خواهد نمود... ولیکن چون او، یعنی روح راستی، آید شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد؛ زیرا که او از خود تکلم نمی‌کند، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد. او مرا جلال خواهد داد؛ زیرا آنچه آن من است خواهد گرفت و به شما خبر خواهد داد.^۲

اندیشه بازگشت عیسی یکی از باورهای جامعه مسیحیت را تشکیل می‌دهد. این شوق و انتظار در بخش‌های قدیمی‌تر عهد جدید مانند رساله اول و دوم پولس به تسالونیکیان به خوبی منعکس شده است، اما در رساله‌های بعدی مانند رساله‌های پولس به تیموتاؤس و تیتوس، همچنین رساله پطرس، به بعد اجتماعی مسیحیت توجه گشته است.

^۱. پوررضایی، سهروردی و استمرار ولایت در تمام زمان‌ها، ص ۱۱۸

^۲. پوررضایی، سهروردی و استمرار ولایت در تمام زمان‌ها، ص ۱۱۹

در این مساله از آنجا ناشی می شد که مسیحیان با گذشت زمان بر این دیدگاه قائل شدند که بازگشت مسیح بر خلاف تصور آن ها نزدیک نخواهد بود، هر چند اقلیتی از آنان بر این عقیده باقی ماندند که عیسی به زودی خواهد آمد و حکومت هزار ساله خود را تشکیل خواهد داد؛ حاکمیتی که در روزی داوری پایان خواهد یافت از همین رو از دیر باز گروه های کوچکی به نام هزاره گرا در مسیحیت پدید آمدند که تمام سعی و تلاش خود را صرف آمادگی برای ظهور دوباره عیسی در آخرالزمان می کنند. جا های مختلف اناجیل اشاراتی به آمدن موعود شده است که برای رعایت اختصاص موارد را می آورم:

در انجیل متی باب ۲۴ آیه ۲۷ آمده است « همچنان که برق از مشرق ساطع شده تا مغرب ظاهر می شود، ظهور پسر انسان نیز چنان خواهد شد، آنگاه علامت پسر انسان در آسمان پدیدار گردد و در آن وقت جمیع طوایف زمین سینه زنی می کنند و پسر انسان را ببینند که برابرهای آسمان با قوت و جلال می آید اما از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد حتی ملائکه آسمان، بنابراین شما نیز حاضر باشید، زیرا در ساعتی که گناه نبرید پسر انسان می آید.

همچنین در انجیل متی باب ۳۱ آن حضرت را به نام فرزند انسان خوانده و می فرماید « و چون فرزند انسان دز جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدمه بر کرسی بزرگی قرار خواهد گرفت و همگی قبائل نزد وی جمع خواهند گشت و آنها را از یک دیگر جدا خواهد نمود، چنانکه شبانی میش ها را از بز ها جدا بنماید، آنگاه ملک به اصحاب یمین خواهد گفت ای برکت یافتگان خدا بیایید و آن مملکت را که از ابتدای عالم برای شما مهیا شده بود تصرف نمایید.

همچنین در انجیل مرقس باب ۱۳، شماره، ۲۶ می گوید «آنگاه پسر انسان را ببینید که با قوت و جلال عظیم برابرها می آید و در آن وقت فرشتگان خود را از جهات اربعه از انتهای زمین تا اقصای فلک فراهم خواهد آورد. ولی از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان و نه پسر، پس بر حذر باشید و بیدار شده و دعا کنید، زیرا نمیدانید که آنوقت کی می شود پس بیدار باشید زیرا نمی دانید که چه وقت صاحبخانه می آید، در شام، یا نصف شب یا بانگ خروس یا صبح، مبدا ناگهان آمده و شما را خفته یابد، اما آنچه به شما می گویم و به همه می گویم اینکه بیدار باشید.

همچنین در انجیل لوقا باب ۲۱ آمده «زلزله های عظیم در جایها و قحطی ها و باها پدید می آید و چیز های هولناک و علامات بزرگ از آسمان ظاهر خواهد شد..... اورشلیم پایمال امته خواهد شد تا زمان های امتها به انجام رسد و در آفتاب و ماه و ستاره گان علامات خواهد بود و بر زمین تنگی و حیرت از برای امت ها روی خواهد نمود.... و دلهای مردمان ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن و قایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که برابری شده با قوت و جلال عظیم می آید.

نتیجه گیری

از مجموع مطالب بیان شده در این مقاله به این نتیجه می رسیم که مهدی باوری یکی از اصول بنیادین جامعه بشر به خصوص مسلمانان است. در میان امت اسلامی این اصل در مرور زمان با دگردیسی های مواجه شد ولی با آن هم از لابلای های حدیثی و نوشته های دانشمندان به خوبی می توان بحث مهدویت را دنبال کرد. ادیان های مختلف اعم از

اسلامی و شرقی و ابراهیمی مهدویت را یکی از اساس ترین اصول اعتقادی خود می دانند و معتقدند که باور نداشتن به منجی آخر الزمان در ایمان خلل وارد می کند مثلاً در قرآن کریم در آیات مختلف بحث از مهدویت شده است. منجمله آیه وعده حکومت صالحان بر روی زمین که میفرماید روزی خواهد رسید که صالحان و مومنان، نیکوکاران وارثان زمین خواهد شد و هنوز این واقعه تحقق پیدا نکرده تا اینکه حضرت مهدی عج ظهور کند و جهان را پر از عدل کند از آن بالاتر اینکه یکی از نشانه های قیامت ظهور حضرت مهدی عج می باشد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابذری، یوسف، فرهاد پور، مراد، ولی، وهاب، ادیانجهان باستان، تهران دانشگاه ادیان و مذهب، ۱۳۷۲
۳. اصفهانی، ابی الفرج، مقاتل الطالبیین، ج: ۲: قم: موسسه دارالکتاب للباعه والنشر، ۱۳۹۶ق.
۴. اقبال، عباس، خاندان نوبختی، تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷
۵. امین، احمد، المهدی و المهدویه، بیروت: موسسه النعمان، ۱۴۱۳ق
۶. انجیل متا، کتاب مقدس، عهد جدید؛ ترجمه فارسی تهران انجمن کتاب مقدس ایران،

۷. انجیل مرقس، کتاب مقدس عهد جدید، ترجمه فارسی، تهران انجمن کتاب مقدس
ایران، ۱۳۷۸

۸. آذیر، اسدالله، منجی باوری در کیش زرتشتی و ادیان ابراهیمی، قم: انتشارات دانشگاه
ادیان و مذاهب، ۱۳۹۲.

۹. آلوسی، ابوالفضل، روح المعانی، ج ۹ و ۱۷، تهران: انتشارات جهان بی تا.

۱۰. سبحانی، جعفر، کلیات فی علم الرجال، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم:
۱۴۲۵ق

۱۱. صافی گلپایگانی، لطف الله امامت و مهدویت، ج ۲، قم دفتر معظم له، ۱۴۲۱.

۱۲. عاملی، شیخ حر، وسایل الشیعه، ج ۲۷، قم موسسه آل البيت، بی تا

۱۳. منقی، هندی علاءالدین، کنز العمال فی سنن و الاقوال، بی جا: موسسه الرساله، ۱۴۰۱.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (باهمکاری جمع از نویسندگان) تفسیر نمونه، ج ۲۱، تهران: دار
الکتب الاسلامیه: ۱۳۶۴.

۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی حضرت مهدی، چ ۱۲، انتشارات نسل
جوان، ۱۳۸۹.

۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، پنجاه درس اصول عقاید، چ ۲۱، قم نسل جوان، ۱۳۸۸.

۱۷. نوبختی، حسن ابن موسی، فرق الشیعه، ط ۴، بیروت: دارالاضواء؛ ۱۴۰۴.

دو فصلنامه تخصصی گفتمان اندیشه، سال ششم، شماره یازدهم ۷۰

۱۸. هانس، ولفانگ، شومان، آیین بودا، ترجمه پاشایی، تهران: مروارید، ۱۳۶۲.

۱۹. هیتمی، ابن جحر، الصواعق المحرقة، بیروت: موسسه الرساله، ۱۴۱۷ق.